

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
اللهم صل على محمد و آل محمد
يا فاطمه الزهراء و يا صاحب الزمان ادركني و لاتهلكني

عوامل زمینه ساز پرورش نسل توحیدی با تأکید بر عوامل پیش از تولد و آغاز تولد

استاد راهنما: مریم کاویانی

نویسندگان: زهرا شاهرخ طهرانی نژاد و نعیمه کریم زاده

مدرسۀ علمیه حضرت زینب کبری (سلام الله علیها)

استان تهران

چکیده

این پژوهش با عنوان عوامل زمینه ساز پرورش نسل توحیدی با تأکید بر عوامل پیش از تولد و آغاز تولد نگاشته شده است. یکی از مقاصد اصلی ازدواج و از وظایف مهم مؤمنین، تولید نسل و تکثیر جمعیت است تا بتوانند ذکر خدا را در عالم فراگیر نمایند. زیاد بودن نسل توحیدی در بالا بردن نصاب حرکت‌های اجتماعی سازنده بسیار مؤثر است. به همین دلیل باید مورد اهتمام همه خانواده‌های مؤمن قرار گیرد. از آن مهمتر کیفیت نسل توحیدی است که لازم است در این زمینه بیش از زیاد بودن نسل مورد اهتمام قرار گیرد. از این رو این مقاله در صدد بررسی عوامل زمینه‌ساز پرورش نسل توحیدی پیش از تولد و آغاز تولد است. برای این منظور به بررسی عوامل مؤثر در سه مرحله قبل از تولد، دوران جنینی و بعد از تولد پرداخته است. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. بر اساس مطالعه انجام شده می‌توان دریافت که اقتضائات به وجود آمده قبل از تولد، نقش بسیار مهمی در سعادت و شقاوت انسان و فرآیند رشد او دارد و هزینه‌ای که در این مرحله برای تعلیم نسل‌های بعدی صورت می‌پذیرد نسبت به هزینه‌های آموزش در مراحل بعدی بسیار اندک و نتایج حاصل از آن سهل الوصول‌تر است. بر این اساس تغییر بستر تربیت به پیش از تولد منجر به کاهش هزینه‌های تربیت در جامعه دینی می‌شود.

واژگان کلیدی: نسل، نسل توحیدی، فرزند صالح.

مقدمه

غایت ارسال رسولان الهی، انزال کتاب و تشریع دین، تربیت انسان‌هایی است که تجلی خلافت الهی بر روی زمین باشند و تمامیت این غایت نیز تنها در برپایی امت واحده توحیدی تحقق پیدا می‌کند، از این رو برنامه اصلی دین مبین اسلام، تربیت انسان و جامعه است که این مهم را به وضوح می‌توان در قرآن کریم و سیره معصومین علیهم السلام مشاهده نمود.

یکی از مقاصد اصلی ازدواج، تولید نسل و تکثیر جمعیت است و به عنوان وظیفه مهم مؤمنین است تا بتوانند ذکر خدا را در عالم فراگیر نمایند. خداوند گسترش نسل مؤمنین در عالم را به عنوان عمل صالح و باقیات الصالحات قرار داده است. بنابراین کوتاهی کردن در افزایش جمعیت مؤمنین، نوعی اعراض از ذکر محسوب می‌شود و دارای عواقب دنیوی و اخروی شدید است.

نسل توحیدی به فرزندان سالم و صالحی اطلاق می‌شود که در مسیر عبودیت خداوند قدم به دنیا گذاشته اند. زیاد بودن نسل توحیدی در بالا بردن نصاب حرکت‌های اجتماعی سازنده بسیار مؤثر است. به همین دلیل باید مورد اهتمام همه خانواده‌های مؤمن قرار گیرد. از آن مهمتر کیفیت نسل توحیدی است که لازم است در این زمینه بیش از زیاد بودن نسل اهتمام و توجه صورت گیرد. در این خصوص تشیع علوی دارای فرهنگی ناب و مناط‌های قوی و بسیار مستدل و متقن است که می‌توان با قطعیتی در خور شأن، به تربیت نسل توحیدی دور از آسیب‌های رشد اهتمام ورزید.

از بررسی متون دینی برمی‌آید که یکی از اهداف اصلی ازدواج، تربیت انسان‌های یکتاپرست است. در این دیدگاه، هم تداوم نسل وجود دارد و هم تربیت نسل. تداوم نسل، جزیی از این دیدگاه است؛ اما محور و اساس آن نیست. هدف، تربیت و پرورش افرادی است که راه تکامل و یکتاپرستی را در پیش گیرند. بخشی از متون دینی به صورت مشخص، مسئله تربیت نسل توحیدی را بیان کرده‌اند. بدیهی است که تنها تداوم نسل نمی‌تواند هدف اصلی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از روایات افتخار به کثرت امت باشد. اگر امت اسلام، افزایش عددی یابد، ولی از تربیت دینی بی‌بهره باشد، چگونه می‌توان به آن مباهات کرد؟ بر همین اساس، ملاک اصلی، تربیت نسل توحیدی است. (پسندیده، ۱۳۹۸، ص ۵۷)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید:

«مَا يَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ يَتَّخِذَ أَهْلًا لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ؛ چه چیزی از مؤمن جلوگیری می‌کند که برای خود زوجه‌ای بگیرد، به امید آن که خداوند، فرزندی را نصیب او کند تا زمین را به «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» سنگین نماید» (الصدوق، ۱۳۴۳، ج ۳، صفحه ۳۸۲)

در این حدیث، تصریح شده است که اهل ایمان برای دستیابی به نسل توحیدی تشکیل خانواده دهند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در باره جریان حضرت یوسف علیه السلام و برادرشان فرمودند:

«إِنَّ يَوْسُفَ بْنَ يَعْقُوبَ لَقِيَ أَخَاهُ فَقَالَ: يَا أَخِي، كَيْفَ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَتَزَوَّجَ النِّسَاءَ بَعْدِي؟ فَقَالَ: إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي وَ قَالَ: إِنَّ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَأَفْعَلْ؛ يَوْسُفَ، پسر یعقوب، برادرش را ملاقات کرد و گفت: ای برادر! چگونه توانستی [با وجود غم فراق] پس از من ازدواج کنی؟ گفت: پدرم مرا امر کرد و فرمود: اگر می‌توانی برای تو ذریه‌ای باشد که زمین را به تسبیح سنگین نمایند، انجام ده.» (شیخ کلینی ۱۴۰۷ ه.ق، ج ۵، ص ۳۳۳؛ و ج ۵، ص ۳۲۹؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۲۶۶، ح ۳۳).

آنچه حضرت یعقوب (علیه السلام) بر آن تکیه می‌کند، مسئله تربیت توحیدی، است نه چیز دیگر. در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است که پیش از این که حضرت یوسف (علیه السلام) خود را به بنیامین معرفی کند، گفتگویی میانشان صورت گرفته که در بخشی از آن آمده است:

«فَقَالَ لَهُ يَوْسُفُ: ... فَمَا بَلَغَ مِنْ حُزْنِكَ عَلَيْهِ؟ قَالَ: وَلِدَ لِي أَحَدَ عَشَرَ ابْنًا كُلُّهُمْ أَشْتَقُّ لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِهِ، فَقَالَ لَهُ يَوْسُفُ: أَرَأَكَ قَدْ عَانَقْتَ النِّسَاءَ وَ شَمَمْتَ الْوَلَدَ مِنْ بَعْدِهِ؟ قَالَ لَهُ ابْنُ يَامِينَ: إِنَّ لِي أَبًا صَالِحًا وَ إِنَّهُ قَالَ: تَزَوَّجْ لَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يُخْرِجَ مِنْكَ ذُرِّيَّةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ؛ ... حضرت یوسف به برادرش فرمود: «تا چه اندازه در فراق برادرت اندوهگین بودی؟». گفت: آن قدر که یازده پسر برایم به دنیا آمد و بر هر یک نامی را که از نام او اشتقاق می‌یافت، نهادم. پس یوسف به او گفت: «چنان می‌نماید که به همسرگزینی و فرزندخواهی تمایل داری؟». بنیامین به او گفت: پدری نیکوکار دارم و او گفت ازدواج کن، شاید خداوند از تو ذریه‌ای بیرون آورد که زمین را به تسبیح، سنگین کنند.» (عیاشی، ۱۳۹۶، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۴۵؛ قطب راوندی، ۱۴۰۹ ه.ق، ص ۱۳۰، ح ۱۳۴؛ الأمالی، الصدوق، بی‌تا، ص ۳۲۱، ح ۳۷۵).

این روایات نشان می‌دهد که یکی از فلسفه‌های اساسی ازدواج و تشکیل خانواده، تربیت نسل توحیدی است. بر اساس آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام می‌توان به راحتی دریافت که اقتضائات به وجود آمده قبل از تولد، نقش بسیار مهمی در شاکله و سعادت و شقاوت انسان و در نتیجه در فرآیند رشد او دارد. از آن جمله می‌توان با آیات زیر اشاره نمود.

آیات ۲۶ و ۲۷ سوره مبارکه نوح می‌فرماید:

(وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا * إِنَّكَ إِن تَذَرْنَهُمْ يَضْلُوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا)

و نوح گفت: پروردگارا! احدی از کافران را بر روی زمین باقی نگذار (۲۶) که اگر تو آنها را باقی گذاری،

بندگان را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس نمی‌زایند (۲۷)

این آیه درخواست هلاکت تا آخرین نفر آنان را تعلیل می‌کند، و حاصلش این است که: اگر درخواست کردم که همه آنان را هلاک کنی، برای این بود که هیچ فایده‌ای در بقای آنان نیست نه برای مؤمنین و نه برای فرزندان خودشان، اما برای مؤمنین فایده ندارد، برای اینکه اگر زنده بمانند آن چند نفر مؤمن را هم گمراه می‌کنند، و اما برای فرزندان خود فایده ندارد، دلیلش این است که اینان فرزند صالح نمی‌آورند، اگر بیاورند فرزندان فاجر و کافر می‌آورند (و فجور به معنای فسق بسیار شنیع است، و کفار - به فتحه کاف - صیغه مبالغه از کفر است). و نوح (علیه السلام) این معنا را که کفار در آینده جز فاجر و کفار نمی‌زایند را از راه وحی فهمیده بود. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ذیل آیات ۲۶ و ۲۷ سوره نوح)

چنانکه در آیه ۳۶ سوره هود بیان شده است:

(وَأَوْحِي إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ)

و به نوح وحی شد که از قوم تو جز آنها که [تاکنون] ایمان آورده اند دیگر کسی ایمان نخواهد آورد، پس از آنچه می‌کنند غمگین مباش. ﴿۳۶﴾

از این آیات چنین برمی‌آید که انسان می‌تواند چنان زندگی نماید که نسل او جز فاجر نباشد. و نیز می‌تواند طوری زندگی نماید که نسل او صالح باشد.

همچنین در روایات آمده است: «السعيد سعيد في بطن أمه، والشقي شقي في بطن أمه» (الصدوق، ۱۳۹۴، ۳۵۶/۳؛ مجلسی، ۱۳۸۶، ۵: ۱۵۷/۱۰؛ متقی، ۱۴۱۹هـ.ق، ۱: ۱۰۷/۴۹۱).

مجموع این آیات و روایات نشان می‌دهد که علاوه بر اینکه می‌توان اسباب و اقتضای هدایت افراد را از قبل و حین تولد و ابتدای ورود آنها در دنیا تدارک دید، باید چنین نمود.

به بیانی دیگر خداوند ما را در مقدرات فرزندانمان دارای نقش و اثر کرده است و بین کسانی که به واسطه این نقش و اثر به امر فرزندآوری اهتمام دارند و آنان که چنین اهمیتی را ندارند، تفاوت قرار داده است. معنویت و علم پدر و مادر نسبت به حقایق در شکل دهی به فرزند هوشیار و بالغ و عاقل مؤثر است همانطور که غفلت آنها از دین و باورهای الهی و ترک اعمال شایسته، بر دور شدن فرزندان از معنویت و علم نیز مؤثر است.

بر اساس این باور، از نظر عقلی هر راهی که بتواند در فرزندان اقتضای سلامتی، پاکی و صلاح را بیشتر کند، دارای اهمیت، مطلوب و قابل توجه است و آنها را به خوش عاقبت بودن نزدیکتر می‌کند.

از این رو این مقاله به بررسی کلیاتی از عوامل مؤثر در ایجاد چنین اقتضایی و آسان‌سازی ارتقای سطح ذکر و معنویت و نیز ایجاد جریانی اجتماعی در تربیت فرزندان خالص برای خداوند به احصاء مؤلفه‌های تأثیرگذار در کیفیت نسل^۱ تا آغاز تولد پرداخته است. برای این منظور رویکرد و سیره موحدان عالم نسبت به مقوله فرزند و

۱ بدیهی است سلامت جسم نیز در پرورش نسل توحیدی مؤثر است. در این مقاله صرفاً به بعد معنویت و عوامل مؤثر آن بر نسل پرداخته شده است.

با کنار هم قرار دادن این تعبیر در کنار واژگانی چون ولد^۱، بنین^۲ و غلام^۳ که برای فرزند در قرآن به کار رفته است، می‌توان دریافت که نگاه ایشان صرفاً فرزنددار شدن نبوده است. بلکه نگاهی جهانی برای اقامه توحید و امت واحده شدن آن داشتند و دعای ایشان به بلندای این افق بوده است.

استجاب دعای حضرت ابراهیم در تمامی نسل ایشان به وضوح قابل رویت است. از اسماعیل، اسحاق، یعقوب، یوسف، زکریا، داوود، سلیمان، ایوب، موسی، هارون، مریم و عیسی و دیگر پیامبران بنی‌اسرائیل گرفته تا حضرت ختمی مرتبت و ائمه معصومین صلوات الله علیهم. چنانکه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَنَا دَعْوَةُ إِبْرَاهِيمَ، وَ كَانَ آخِرَ مَنْ بَشَّرَ بِي عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ؛ مِنْ هَمانَ دَعَا إِبْرَاهِيمَ هَسْتُمْ، وَ آخِرِينَ كَسَى كَهِ بِهَ ظُهُورٍ مِنْ بَشَارَتِ دَادِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ بُوْد.» (متقی، ۱۴۱۹ ه.ق، ج ۱۱، ص ۳۸۳، الرقم: ۳۱۸۲۹)

بنا بر این با داشتن دعایی پیگیر و عملی برای داشتن نسلی موحد و نذر کردن فرزند به تآسی از مادر حضرت مریم سلام الله علیها می‌توان نسلی موحد و به دور از شرک و شیطان^۴ تقدیم خداوند کرد.

برنامه‌ریزی برای تعلیم فرزند در مرحله پیش از تولد

برای داشتن برنامه‌ای برای تعلیم فرزند در مرحله پیش از تولد، می‌توان دلیل استجاب دعای انبیای عظام را در ویژگی‌های ایشان در آیات قرآن پی گرفت. از جمله می‌توان به آیات زیر اشاره نمود:

در سوره انبیا می‌فرماید: (فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَ أَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُونَنَا رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ كَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ)؛ پس دعای او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم، و همسرش را برای او شایسته [و آماده ی حمل] کردیم؛ همانا آنها در کارهای نیک پیشقدم بودند و با بیم و امید ما را می‌خواندند و در برابر ما خاشع بودند ۹۰.

و در سوره ص چنین می‌فرماید: (وَ وَهَبْنَا لِداوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ)؛ و سلیمان را به داود عطا کردیم، چه نیکو بنده‌ای! به راستی او بسیار رجوع کننده [به سوی خدا] بود ۳۰.

و در سوره هود فرمود: (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ)؛ همانا ابراهیم بردبار و بسیار نیایشگر و توبه کار بود ۷۵.

۱ انفال: ۲۸ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ أَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ وَ توبه: ۵۵ فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ وَ توبه: ۸۵ وَ لَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَ أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ وَ ...
۲ کهف: ۴۶ الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ الْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلاً وَ نوح: ۱۲ وَ يُمَدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً وَ انعام: ۱۳۴ أَمْدَكُم بِأَنْعَامٍ وَ بَنِينَ وَ ...
۳ مریم: ۸ قَالَ رَبِّ ائْتِنِي غُلَامًا وَ كَانَتْ امْرَأَتِي عَاقراً وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا وَ ...
۴ آل عمران: ۳۶ إِنِّي أُعِذُّهَا بِكَ وَ ذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

با توجه به این آیات می‌توان صفات زیر را موجب استجاب دعا دانست:

- پیش قدم بودن در کارهای خیر (یسارعون فی الخیرات)
 - خواندن خدا با بیم و امید (یدعوننا رغبا و رهبا)
 - خاشع بودن
 - بسیار رجوع کننده به خدا بودن (اواب)
 - حلیم بودن: حلیم به معنای نگه داشتن نفس و طبع از هیجان غضب و احساسات و به دست آوردن حالت آرامش، اطمینان و صبر در مقابل آنچه که با طبع، سازگار نیست، می‌باشد. (مصطفوی، بی‌تا، ذیل حلیم) به بیانی دیگر حلیم اطمینان و سکون نفس است به گونه ای که غضب آن را نمی‌جنباند تا عقل پوشیده و إدراک و عمل صالح ضعیف گردد. (مصطفوی، التحقیق بی‌تا، ذیل اوه) هرگاه حلیم به یکی از انسان‌ها نسبت داده شود، از شریف‌ترین صفات و ویژگی‌های ستوده بشری است که انسان به وسیله آن به بالاترین مقام‌ها ارتقاء می‌یابد. به وسیله سکون و طمأنینه، سلوک به سوی خدای متعال برایش ممکن می‌شود. (مصطفوی، بی‌تا، ذیل حلیم)
 - بسیار نیایشگر بودن (اواه): مومن عارف بالله همواره در قبال کوتاهی و ناتوانی و سستی اش، دردمند و به خاطر آنچه از وظایف عبودیت خدای متعال که از او فوت می‌شود، اندوهگین و از اینکه نمی‌تواند خدا را آنگونه که شایسته عزت و جلالت و عظمت اوست بندگی کند متألم است. پس خضوع و خشوعش دائمی است و همیشه فقر و قصور و خواری ذاتی خویش را در می‌یابد. بنابراین، آواه کسی است که اظهار حزن و دردمندی می‌کند یا به جهت کوتاهی‌اش یا به لحاظ دوستی و شوقش یا به سبب وجود موانع مادی که از رسیدن او به آنچه که دوست دارد و می‌خواهد و ادراک آنچه که به آن توجه دارد، جلوگیری می‌کند. (مصطفوی، بی‌تا، ذیل اوه)
 - منیب بودن: کلمه منیب اسم فاعل از مصدر انابه به معنای رجوع است و مراد از آن، این است که آدمی در هر امری به خدای تعالی رجوع کند. (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ۴۸۷)
- داشتن برنامه‌ای برای پیاده‌سازی باورها، رفتارها و صفات ایشان در خود علاوه بر استجاب دعا و انتقال این صفات به نسل موجب فراهم‌سازی بستری طیب برای رشد فرزندان بعد از تولد نیز خواهد بود.
- تقویت طلب و آرزو داشتن فرزند صالح موحد، دعایی پیگیر و عملی برای فرزنددار شدن، جهت‌دار کردن نیاز به فرزند از جمله عواملی است که می‌تواند در پیدایش نسل توحیدی موثر واقع شود.

آداب ظرفیت‌سازی نطفه

آداب عمومی (مواردی که در روایات ذکر شده)

و آداب اختصاصی فرزندآوری (استفاده از ویژگی‌های زمان‌ها و ...)

و در نهایت ایجاد طیب ولادت در تولد فرزند با رعایت آداب عمومی و اختصاصی فرزندآوری

توجه به روابط زوجین (بلوغ عاطفی) بستر رشد فرزند باید امن و آرام و طیب و ...

هر چیزی که باعث ارتقای سطح روحی و معنوی در دوران بارداری می‌شود (قرآن و نقش آن در تاثیر بر خود و

فرزند و ...) (برنامه عملی برای انس با قرآن و ...) ادعیه و ...

عوامل موثر در مرحله جنینی

تعلیم در دوره جنینی

عوامل موثر در مرحله بعد از تولد

مراحل رشد انسان بعد از تولد را خود به دوره‌های مختلفی تقسیم می‌شود. این مقاله صرفاً مرحله آغازین تولد تا پیش از تکلم طفل را مورد بررسی قرار داده است.

عامل دوم در پیدایش کمالات روحی برای پیامبران همان است که از آن به «تربیت» تعبیر می‌کنیم؛ کمالات و فضایی که گفتیم در خاندان‌های پیامبران وجود دارد، قهراً از راه تربیت نیز به آنها منتقل می‌گردد و بدین ترتیب، تربیت مکمل زمینه و استعداد وراثتی آنها برای کسب کمالات روحی می‌گردد. آنان در این خاندان‌ها، به صورت افرادی کاملاً با ایمان و امانت دار و با هوش و شجاع و با کمال بار می‌آیند. (سبحانی، ۱۳۸۸، ج ۴، ص ۳۴۹ و ۳۵۰)

نتیجه‌گیری

فرزندى که داراى طيب مولود و طيب ولادت است از ظرفيت فطرى خاصى برخوردار مى‌شود که همانند سپرى محکم در برابر آسیب‌هاى رشد مقاوم مى‌شود. لذا بسيارى از نگرانى‌هاىی که در خصوص تربيت فرزند در سنين بالاتر و هجمه رسانه‌اى و غيررسانه‌اى غرب وجود دارد، تا حدود بسيار زيادى قابل برطرف شدن است. کمترین اقدام قبل و بعد از بارداری بیشترین تاثیر را در وضعیت سلامت مادى و معنوى کودک دارد. به همین دلیل ايجاد جريان‌هاى سالم اجتماعى بايد از نسل شروع شود. بر اين اساس تغيير بستر تربيت به پيش از تولد منجر به کاهش هزينه‌هاى تربيت در جامعه دينى مى‌شود. برای اين منظور مى‌توان در کنار روايات و دستورات جامع مخصوص اين دوران از راهکارهاى ارائه شده در اين مقاله استفاده نمود.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الأمالی، تهران: الاسلامیه، بی‌تا.
۲. _____، التوحید، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.
۳. _____، من لا یحضره الفقیه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۳.
۴. پسندیده، عباس، رضایت زناشویی، قم: چاپ و نشر دارالحديث، ۱۳۹۸.
۵. الحرّ العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم: آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بی‌تا.
۶. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، تهران: دار القرآن الکریم، ۱۳۸۸.
۷. طباطبائی، سید محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: رجاء، ۱۳۷۸.
۸. عیاشی، محمد بن سعود، تفسیر العیاشی، قم: ذوی القربی، ۱۳۹۶.
۹. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، قصص الأنبياء، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۰. متقی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ه.ق.
۱۱. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۱۲. مصطفوی، حسن، التحقيق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، قهرمان توحید، شرح و تفسیر آیات مربوط به حضرت ابراهیم، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۳۸۸.
۱۴. ورامینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (شیخ کلینی)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق.